

پای محبت طلبه آژاده دور ان دفاع مقدس از روز های اسارت

در بوته آزمایش

قاسمی

۲۶ مرداد هر سال یادآور آغازی پر پایان فراق و دوری حدود ۴۳ هزار پرنده مهاجری است که بنا بر تعبیری سر بازانی بودند که در دل خاک دشمن با آنان جنگیدند و دشمن را اسیر ایمان، صلابت و استقامت خود کردند. مقام معظم رهبری در باب عظمت آزادگان فرمودند: «این که ما به اسرایمان، آزادگان می گوئیم، بی وجه نیست. شما که برگشتید، آبرومندو سر بلند برگشتید. دین و اعتقاد و دلبستگی تان به امام و اسلام و انقلاب را حفظ کردید. پیش دشمن، آبروی ملت را حفظ نمودید و ملت را سرشکسته نکردید. این ها خیلی ارزش دارد.

این عزیزان در چنگال دشمن آبروی ملت را حفظ کرده اند و امروز بر ماست که آنان را ببرزگ بدریم و اجازه ندھیم خاطرات بزرگمردی هایشان در روز های اسارت فراموش شود». به بهانه سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی، باطلبه آژاده هشت سال دفاع مقدس همکلام شدیم تا گوشه ای از خاطرات خود در اردوگاه های رژیم بعث را بازگو کنند. حجت الاسلام «غلامحسین کمیلی» پنج سال و نیم روز ها و شب هایش را در اردوگاه های عراق به هم پیوند زد.

آن روز ها را خوب به یاد دارد. او دارای دکتری قرآن و حدیث است و در دانشگاه حوزه تدریس می کند. نویسنده کتاب «در بوته های آزمایش» صفحاتی از کتاب خاطرات اسارت خود را ورق می زند. می گوید: اولین بار ۱۶ سال داشتیم که با دست کاری

شناسنامه راهی جبهه شد، نوبت دوم

یک سال بعد کمک آربی جی

زن در عملیات بدر بودم که

در یاتک بعضی ها به شدت

مجرور شدم اما نیروهای

کمکی نتوانستند خود

را به ما برسانند. بعضی

ها وقتی مطمئن شدند

پشت خاکریز کسی نیست

با تانک وارد منطقه شدند.

آغاز اسارت

سال سخت اسارت

کمیلی از روز ها و شب های اسارت هم

این طور می گوید که بیشتر اسیران مجروح بودند، سال اول اسارت بیشتر صرف

بهبود جراحات ها شد البته عراقی

ها برای در مان کاری نمی

کردند. زخمی بودم و بدون

داروی بی حسی حوله

ای در دهانم گذاشتند و

زخم های پایم را به هم

دوختند، زخم هایی

که بعد ها در دست

و پاهایمان عفونت

می کرد. سر نوشت

مشترک درد

کشیدن در

اسارت، سال

سخت در مان،

مشکلات

بهداشتی و خدمات بود.

کم کم انسجام و همکاری بین ما بیشتر شد و برنامه

های منسجم شکل گرفت تا آن جا که هر اردوگاه یک

ایران اسلامی کوچک بود.

برنامه ها را به صورت مخفیانه و درونی انجام می

دادیم و کمتر مناسبتی بود که از آن غفلت شود.

اوایل اسارت به ما قرآن نمی دادندو کم کم به هر

آسایشگاه یک قرآن تحویل شد. بچه ها جزء جزء

آن را جدا کردند تا به دست همه برسد و بتوانیم آن

را حفظ کنیم و با این ترند هر روز یک ختم قرآن

جمعی هم انجام می شد.

ورود صلیب سرخ که بیشتر شد قرآن ها و برنامه

های ترجمه و هماهنگی افزایش یافت. او ادامه

می دهد: چند طلبه بودیم که مخفیانه کلاس های

آموزش قرآن و عربی داشتیم، طی دو سال ترجمه

کامل قرآن را آموزش دادیم و از نهج البلاغه هم

فراموش نکردیم البته برگزاری کلاس متنوع بوده

خصوصا اگر استاد را می شناختند اذیت و شکنجه

می کردند.

روز های اسارت به سختی می گذشت بعضی ها به

هر شکلی اسیران را اذیت می کردند ساعت ها ما

را در آفتاب نگه می داشتند و البته شکنجه و سخت

گیری ها به خصوص در زمان عملیات رزمندگان

ایران بیشتر می شد.

سخت گیری بیشتر در ایام عزاداری

کمیلی، از سختی روز های برگزاری عزاداری هم

سخن می گوید. در مناسبت های مختلف، برنامه

فرهنگی داشتیم، به عنوان مثال در محرم جلسه

های عزاداری برگزار می شد اما علنی نبود، نشست

و آرام سینه زنی و مداحی انجام می شد تا باعث سوء

استفاده نشود. سخت گیری و اذیت بعضی ها در

این ایام بیشتر می شد چرا که جلسه ای در صحن

اردوگاه می گرفتند و به زور و کتک اسیران را در

روز عاشورا ادا به رقص می کردند. تفکر بعضی ها

خاص بود و شیعه های عراقی هم تحت سلطه و نظر

آن ها بودند.

می گوید: برنامه ها و مراسم فرهنگی دوران اسارت

راحت بر گزار نمی شد. صلیب سرخ هر چند ماه یک

بار، دفتر و خود کار به ما می داد اما بعضی ها آن را می

گرفتند بنابراین از وسط دفتر ها، چند برگ جامی

کردیم. سال اول از صلیب سرخ مفتاحی خواستیم که

آن را هم آوردند اما به محض رفتن نیرو های صلیب،

بعضی ها کتاب ها را پس می گرفتند بنابراین با هم

هماهنگ می کردیم که در هر آسایشگاه قسمتی

از مفتاح را جدا کنیم تا یک نسخه اصل داشته

باشیم. نسخه ای که زیر زمین پنهان می کردیم

و در ورق های دفتر، برای بقیه می نوشتیم تا هر

اردوگاه، یک دفترچه دعا داشته باشد. دعای کمیل،

زیارت عاشورا، دعای ندبه و... این طور در اردوگاه

ز زمزمه و عامل تقویت روحیه می شد. من با چند

دوست طلبه ام عربی و مسائل دینی را به بقیه یاد



می دادیم و از دیگر دوستان

زبان انگلیسی، آلمانی و

فرانسه می آموختیم.

او از آمپول ضد عاشورا هم

یاد می کند و توضیح می

دهد: این آمپول هر از گاهی

به ویژه در مناسبت های مذهبی مانند محرم و

شب های قدر، به اسیران تزریق می شد تا توان

عزاداری نداشته باشند آمپولی که برای هر چند

نفر از یک سرنگ استفاده می شد. اسیران به صف

می شدند. نگهبان به پرستار توضیح می داد که هر

اسیر چه کاره است و این ها یعنی میزان دارویی

که استفاده شود بیشتر باشد تا بی حال تر شوند و

نتوانند عزاداری کنند.

شهادت در اسارت

اما حجت الاسلام کمیلی از تلاش اسیران ایرانی

برای شناسایی دارویی برای مقابله با آمپول

ضد عاشورا هم می گوید که بی کار نماندند و

دارویی پیدا کردند که تاثیر آن را کمتر می کرد

چرا که معتقد بودند یاد امام حسین (ع) و ائمه (ع)

و توسل به آن ها عامل تقویت روحیه و تحمل شب ها

و روز های سخت و خسته کننده زندان عراق بود.

سختی آن روز ها بیشتر بود و خاطر ات تلخ در کاش

مانده است.

صلیب سرخ هنوز برخی از اسیران را ندیده و

نشاخته بود و بعضی ها از شکنجه و کتک ها جان

سالم به در نمی بردند و شهید می شدند. یکی از

تلخ ترین هایش هم این بود که داخل سطل زباله

بزرگ و مستطیل شکل استخراعات جنازه شهیدی

رها شده بود. همچنین «علی قدم گرمی» جوان

رسیدی بود که دچار بیماری و کم کم نابینا شد و

حتی مورد رسیدگی قرار نگرفت.

شده است.

اما سخت ترین روز ها خبر تلخ رحلت امام

خمینی (ره)، پیر و مرشد ما بود که همه اردوگاه ها

در غم و ماتم فرو رفت تا آن جا که عراقی ها وحشت

و به نگهبانان توصیه کردند زیاد سخت نگیرند. در

روز های عادی از بلندگو ها ترانه پخش می کردند

اما در روز های رحلت امام (ره) آن را قطع کردند.

به نظر این طلبه و آزاده دوران دفاع مقدس، مهم

ترین عامل پایداری و حفظ روحیه اسیران تفاوت

در عقیده آن ها بود که با التماس و اصرار عازم و با

انگیزه و علاقه الهی و دینی، عشق و علاقه به رهبر و

مذهب و بصیرت وارد جبهه می شدند و این بود که

وقتی صلیب سرخ می آمد، خواسته های اسیران ما

به گفته خودشان با اسیران کشورهای دیگر تفاوت

داشت و به جای غذا و رفاه، ادعیه بود. توسل به ائمه

(ع) و پیامبر (ص)، قرآن و تفکر در راه عقیده، لبیک

به رهبری، یاد مصائب اهل بیت (ع) و... عامل

ماندگاری آزادگان در اسارت است.

فرهنگستان

امروز ؛ کنگره ملی الماس های درخشان

کنگره ملی الماس های درخشان امروز در بیر جند برای پاسداشت ورود آزادگان بر گزاری می شود. این خبر را معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اعلام کرد و گفت: کنگره به صورت ویدئو کنفرانس و از طریق سازمان در سراسر کشور برگزار و از سه نفر آزادگان فعال در مسائل اجتماعی و سابقه اسارت با لاتقدیر می شود.

«نار منجی» حرکت نمادین آزادگان در بیر جند، جشن عمومی با رعایت پروتکل ها، خداقوت به کادر بیمارستان و لیعصر (عج) بیر جند و... را از دیگر برنامه های سالروز بازگشت ۲۳۰ آزاده به استان برشمرد.

تئاتر خیابانی پیشرو در احیای

فعالیت های هنری

برگزاری جشنواره تئاتر خیابانی استان پیشرو در زنده کردن دیگر فعالیت های هنری است.

هر چند شیوع کرونا محدودیت هایی برای فعالیت های فرهنگی و هنری و به ویژه تعطیلی زود هنگام سینماها و تئاتر در پی داشت اما رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان معتقد است برگزاری اولین جشنواره تئاتر خیابانی استان در بشرویه می تواند پیشرو و مقدمه ای برای زنده شدن دیگر فعالیت های هنری شود چرا که تجربه برگزاری مناسب این جشنواره بارعایت پروتکل های بهداشتی، اطمینان و ضریب آرامش مخاطب و هنرمند برای از سرگیری دوباره برخی فعالیت ها را فراهم می کند.

به نظر «محسن حسین زاده» برگزارای مناسب این جشنواره می تواند ترس را تبدیل به اطمینان و تأیید کند که فضا بینابینی است و نباید به دلیل ترس از کرونا فعالیت متوقف شود و از آن طرف به پروتکل ها و رعایت موازین بهداشتنی هم بی توجهی نشود و با آموزش جمعی می توان این ضریب اطمینان را بالا برد و جشنواره تئاتر خیابانی در این موضوع پیشرو ست.

امثال و حکم

چَشُون تو، تُو دَارِه

مثل «چَشُون تو، تُو دَارِه» به عنوان یک عبارت قدیمی دیگر در کتاب داستان ها و داستان ها قید شده است. مولف کتاب در باره آن توضیح می دهد: در زبان معیار این عبارت «چشمان تو تاب دارد» خوانده می شود یعنی ایرادی که می گیری در شیء، مد نظر وجود ندارد بلکه نگرش و قضاوت تو نادرست است. دکتر «زنگویی» می گوید: زمانی که بخوایم به فردی بفهمانیم که قضاوتش مغرضانه است و از چیزی یا کسی دفاع کنیم و به طرف مقابل بگوییم خرده گیری های تو نادرست است این مثل را به کار می بریم.

پیام تسلیت مدیرکل اوقاف و امورخیریه خراسان جنوبی در پی

درگذشت عالم و واقف جلیل القدر حضرت آیت الله محمدابراهیم

ربانی (رحمه ا... علیه)



إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا لَهُ رَاجِعُونَ

رحلت عالم و واقف جلیل القدر حضرت آیت الله حاج محمدابراهیم ربانی رحمه الله علیه، موجب تأثر و تأسف گردید.

همان گونه که حضرت علی(ع) فرمودند: «هرگاه عالمی از دنیا برود، چنان رخنه ای در اسلام پدید می آید که تا روز قیامت هیچ چیز آن را فرو نمی پوشد»، رحلت آن روحانی مبارز و مجاهد رخنه ای در دل های مردم مومن و انقلابی خطه خراسان جنوبی پدید آمد و سراسر غم و اندوه در دلها نهاد.

حال آن که خدمات آن عالم وارسته در استان و دفاع ایشان از ارزش های اسلامی، ترویج و نشر معارف نورانی اهل البیت علیهم السلام، تربیت شاگردانی فاضل، و کمک به اقتصاد و اشتغال این خطه، خاطره ای ماندگار از آن روحانی بزرگوار باقی خواهد گذاشت.

و چه شیرین مصداق آیه شریفه ۴۶ سوره کهف «مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست و اعمال صالح که (تا قیامت) باقی است نزد پرورندگار از نظر ثواب بهتر و از نظر ایمنمندی نیکوتر است»، را عملی ساخته

و با تاسی از مولا امیر المومنین(ع) از خود وقف ماندگار به یادگار گذاشتند.

این ضایعه را به محضر حضرت ولی عصر(عج)، مقام معظم رهبری(مدظله العالی)، نماینده معزز ولی فقیه در استان، حوزه های علمیه و مردم متدین و انقلابی استان خراسان جنوبی تسلیت عرض نموده و علو درجات آن فقید سعید را از درگاه خداوند متعال مسئلت می نمایم.

ان شاءالله تعالی در این ایام سوگوری حضرت سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین علیه السلام، میهمان آن حضرت بوده باشند و با شهدای کربلا محشور گردند.

پرویز بخشی پور-مدیرکل اوقاف و امورخیریه خراسان جنوبی

جناب مهندس ملایی رئیس اداره صنعت معدن و

تجارت سریشه

جناب مهندس شیخ زاده رئیس شورای اسلامی

شهرستان سریشه

جناب آقای قاسمی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد

اسلامی شهرستان سریشه

جناب آقای زجاجی رئیس اداره ثبت احوال شهرستان سریشه

جناب آقای عباسی رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان سریشه

جناب آقای رزگی رئیس اداره بهزیستی سریشه

سرکار خانم براتی نژاد مدیرعامل موسسه فرهنگی هنری خانه آبرنگ سریشه

که در مراسماتی جداگانه با اهدای لوح تقدیر از خدمات خبرنگاران و اصحاب رسانه سریشه تجلیل کردند.

آرزوی سلامتی و طول عمرت باعزت برای همه مسئولین دلسوز و خادم مردم

باتشکر هیات تحریریه کانال آرشوخطرات سریشه